



چرا رسانه‌های اپوزیسیون در ماجرای یک زندانی خودزنی کردند؟

# رونق بازار خالی‌بندی

در اداره اطلاعات تبریز گفته‌اند که اگر مصاحبه کنید کل خانواده‌تان را نابود می‌کنیم، همزمان با این ادعا. ادعای دیگری مبنی بر دو ماه اعتصاب غذای رونقی در زندان نیز منتشر شد. هر دوی این ادعاها اما با تصاویری که در روزهای گذشته منتشر شد زیر سوال رفت. رونقی ۵ آذر به همراه خانواده‌اش در بیمارستانی حضور یافت و تصاویری از وی منتشر شد که نشان می‌داد هیچ کدام از پاهای او نشکسته و آثاری از اعتصاب غذا ۶ روزه نیز بر جسم او دیده نمی‌شود. واقعیت این دروغ‌های رسانه‌ای اگر چه در نهایت برملا شد اما در این مدت موج عظیمی از جوسازی علیه کشور را به راه انداخت و گاها توسط لشکر فیک اکانت‌ها به ترند توییتر تبدیل شد. جوسازی که حتما در به آشوب کشیده شدن خیابان‌ها و شهادت نیروهای امنیتی موثر بود.

اسلامی ایران، به زندان محکوم شد، محکومیتی که تا نیر ماه ۹۱ ادامه داشت. رونقی سال ۱۴۰۰ نیز برای مدت ۸ روز در بازداشت به سر برده و با قید وثیقه آزاد شد. رونقی که هیچ فرصتی را برای بازداشت شدن از دست نمی‌داد در اغتشاشات اخیر نیز کنار نشست و در نهایت نیز دستگیر شد. نکته جالب در مورد وی این است که هر بار بازداشت شده نقل قول‌های متعددی از اعضای خانواده وی به ویژه برادر او منتشر شده که حسین در بازداشت حال خوبی ندارد و اعتصاب غذا کرده است. ادعای دروغین آسیب دیدن کلیه‌های حسین رونقی را اولین بار برادرش مطرح کرد. بعد از بازداشت رونقی در وقایع اخیر، زلیخا موسوی (مادر) و احمد رونقی (پدر) وی در گفت‌وگوی اختصاصی با صدای آمریکا گفتند: «ضابطان قوه قضائیه هر دو پای پسرمان را شکسته‌اند

وی نیز فضای مجازی را پر کرد. شایعاتی که گاها توسط خانواده افراد فوت‌شده و بازداشتی نیز طرح می‌شد بلکه اعتبار بیشتری یابد. درحالی‌که شایعه شکستن پاهای رونقی زیر شکنجه و اعتصاب غذای ۲ ماهه وی در فضای مجازی در حال گسترش بود تصاویر حضور وی در بیمارستان منتشر شد. تصاویری که هیچ اثری از شکستگی و سوء تغذیه ۲ ماهه در آن دیده نمی‌شود. سابقه فعالیت رونقی علیه ایران به سال ۸۸ بازمی‌گردد. او قبل از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۸۸ با نام مستعار بابک خرم‌دین وبلاگ نویسی می‌کرد. رونقی آذرماه سال ۸۹ به جرم «عضویت در شبکه ایران پروکسی، اختلال در امنیت کشور، توهین به رهبری، توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری

فرودگاه عبور کرده و به خارج از کشور می‌گریختند. علاوه بر محتوای دروغینی که با هدف تهییج آشوبگران کف خیابان بازنشر می‌شد شبکه عنکبوتی دروغ دستور کار تحریک احساسات کاربران شبکه‌های اجتماعی را نیز دنبال می‌کرد. این دستور کار همزمان با به کما رفتن مهسا امینی در دست اجرا قرار گرفت تا پس از فوت او هر فردی که به هر دلیلی فوت کرد مقصر آن جمهوری اسلامی معرفی شود. نیکا شاکرمی، سارینا اسماعیل‌زاده و اسرانیهای از جمله چهره‌هایی هستند که فوت‌شان دستمایه سناریوی کشته‌سازی قرار گرفت. نمونه دیگری از این دروغ‌پردازی را در ادعای شکنجه بازداشت‌شدگان شاهد بودیم. وریا غفوری، توماج صالحی، حسین رونقی و هر چهره شاخص دیگری که بازداشت شد بلافاصله شایعات در مورد شکنجه

**گروه سیاست** طرح ادعاهای دروغین پرشمار، دیگر به پای ثابت هر آشوب‌خیابانی تبدیل شده است. در جنگ ترکیبی ۱۴۰۱ این حربه بیشتر از همیشه به کار گرفته شد. روزهای ابتدایی آشوب‌ها حجم شایعه‌ها به قدری بود که برخی به کنایه می‌گفتند: «جمهوری اسلامی در توییتر سقوط کرده است». حجم دروغ‌ها به قدری بود که طراحان پشت‌صحنه نیز خود دچار توهم شده و تصویری انقلاب‌گونه از آشوب‌های چندده نفره پیدا کردند. یک روز اشنویه سقوط می‌کرد، یک روز ارتش تسلیم می‌شد، یک روز تمام بازار در اعتصاب فرو می‌رفت، یک روز هم مقامات از گیت‌های امنیتی



**مقاماتی که از فرودگاه امام فرار کرده بودند برنگشتند؟!**

حد توهم رسانه‌های تجزیه‌طلب سعودی طی دو سه ماه اخیر به قدری بالا بوده که بعضی اخبار و گزارش‌های شاذ و عجیب‌شان برای جدی‌ترین مخاطبان این شبکه‌ها هم مایه خنده شده است. خیرهایی که عمدتاً منبع آگاهی که نخواستند نامش فاش شود، به این رسانه‌ها رسانده‌اند و به قدری برای شبکه‌های ضدایرانی موقش هستند که می‌توانند ساعت‌ها درباره آن تک‌خبر گزارش تهیه کنند. یکی از آن توهمات که برایش حتی صفحه ویکی‌پدیای فارسی هم ساختند، چیزی تحت عنوان «فرار مقامات در خلال اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ ایران» بود. خبری که رفته‌رفته از کف توییتر فارسی، به اخبار رسانه‌های مثل روزنامه اکسپرس انگلستان هم رسید که البته همگی مشترک داشتند و آن شنیده‌هایی از برخی افراد آگاه شاغل در اطلاعات پرواز فرودگاه امام خمینی تهران، بود! آبان هم رسانه سعودی اینترنشنال در گزارش‌هایی، پیروزمندانه به بازنشر خبر اکسپرس پرداخت و نوشت: «مقام‌های جمهوری اسلامی به منظور فرار از کشور و تحت تعقیب قرار گرفتن پیگیر دریافت پاسپورت‌های غربی هستند! این رسانه همچنین در تشریح گزارش روزنامه اکسپرس که خود، شنیده‌های اینترنشنالی برخی اکانت‌های توییتری را مینا قرار داده بود نوشت این روند از دو هفته قبل، یعنی از نوبه همراهِ آغاز شده است! اینترنشنال همچنین به نقل از این روزنامه چاپ لندن نوشت: «یک منبع بدون ذکر نام، از اختصاص بخشی از فرودگاه بین‌المللی تهران به این موضوع و همچنین کرایه پنج پرواز، در روز برای فراری دادن خانواده‌ها خبر داد، مجموعه توهمات که البته با گذشت بیش از یک ماه دیگر کسی از مخاطبان این شبکه‌ها پیگیر جزئیات آن نیست. آخر هم معلوم نشد این مقامات و این پنج پرواز در روزی که آنها ادعا می‌کردند، به کجا فرار کردند و آیا بعد از آرام شدن شرایط کشور قصد دارند به ایران بازگردند یا خیر...!

**مرگ مهسا امینی**

هنوز چندساعتی از به کما رفتن مهسا امینی نگذشته بود که ایران‌اینترنشنال و بی‌بی‌سی اخباری مبنی بر «شکستگی یا ضرب‌وشتم، او منتشر کردند. پس از فوت مهسا امینی نیز سناریوی کشته شدن او را مطابق با منافع مالی‌شان بازتاب دادند و ادعا کردند امینی کشته شده است. بعد از آنکه گزارش‌های خبری پرده از بیماری زمینه‌ای وی برداشت پدر مهسا امینی به دست شایعه‌پراکنان پیوست و بیماری زمینه‌ای دخترش را تکذیب کرد. تکذیب‌هایی که البته گزارش‌های پزشکی قانونی دروغ بودن آن را ثابت کرد و در ادامه نیز پدر امینی بیماری دخترش را تایید کرد.

**به لحظه نیت خوانی نکندید**

**بذارید اشک شوق‌مون رو بریزیم**

یکی دیگر از دروغ‌های شایعی که این روزها بیشتر از قبل شنیده شده این است که بازیکنان تیم ملی ایران به‌اجبار در مسابقات جام جهانی سرود ملی را خواندن کردند. پیش از این نیز حضور بازیکنان در دیدار با رئیس‌جمهور دستمایه اتهام‌زنی قرار گرفته و برخی می‌گفتند بازیکنان بسا دریافت پول تطمیع شده‌اند. ادعاهایی که ایران‌اینترنشنال آنها را از همه بلندتر و مضحک‌تر فریاد می‌زد.

**یا به زبون خوش اعتصاب کنید یا آتیش تون می‌زنیم**

اواخر آبان‌ماه امسال بعد از اینکه کمی التهابات جامعه فروکش کرد، فراخوان‌های متعددی منتشر شد تا در روزهای ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ آبان‌ماه مغازه‌داران تهرانی مغازه‌های خود را تعطیل کنند. این فراخوان درحالی منتشر شد که بازار ایران و مغازه‌داران در گفت‌وگوهای متعدد گفته‌اند عده‌ای قصد داشتند ما را به تعطیلی اجباری وادار کنند. با این حال مغازه‌داران تهرانی در برابر این اعتصاب اجباری از سوی براندازان، کسب‌وکارهای خود را تا ظهر روزهای مذکور فعال نگه داشتند. رسانه‌های لندن‌نشین اما این تعطیلی اجباری را با عنوان اعتصاب سراسری بازنشر می‌دادند.

**عمو میگه نکشتنش دایی قبول نمی‌کنه**

نخستین بار موضوع اسرا پناهی از سوی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور مطرح شد. این رسانه‌ها مدعی شدند که اسرا پناهی دانش‌آموز مدرسه شاهد اردبیل بوده که در ناآرامی‌های اخیر فوت کرده و مرگ وی بر اثر وارد شدن ضربه به سر در اتفاقات دبیرستان شاهد رخ داده است. این روایت بلافاصله از سوی عموی او در شبیه (۲۳ مهر) پاسخ داده شد. علی پناهی، در گفت‌وگویی با صداسوسا گفت: «اسرا، ۳ شب پیش در خواب حالش بد شد و در بیمارستان فوت کرد. چرا باید رسانه‌های بیگانه با آبروی ما بازی کنند؟ علی‌رغم چیز دیگری است. علی دایی درحالی مدعی می‌شود تا مطمئن نشود چیزی درست است آن را نمی‌گوید که هیچ‌وقت مستندات برای اظهارات خود ارائه نکرد.

**حمای خون جوانرود در اینترنشنال**

یکی دیگر از سناریوهایی که خیلی زود علاقه اینترنشنال، من‌وتو و بی‌بی‌سی فارسی به تجزیه ایران را ثابت کرد تلاش آنها برای تحریک احساسات مخاطبان‌شان از طریق مانور بر روایت مظلوم واقع شدن برخی اقوام مرزنشین ایرانی از سوی مأموران امنیتی و پلیس در ناآرامی‌های شکل گرفته بود. تلاشی که البته با هوشیاری مردم بومی آن مناطق به نتیجه مطلوب این رسانه‌ها نرسید اما احساسات بخش‌هایی از جامعه را جریحه‌دار کرد. روایت‌هایی جعلی مثل تیراندازی مستقیم با دوشکا به مردم معترض جوانرود کرمانشاه یا ربودن ماشین حمل خون توسط نیروهای امنیتی و روایت‌های عجیبی از این دست، نمونه دروغ‌هایی بود که این رسانه‌ها و فعالان توییتری وابسته به آنها به‌شکل گسترده به دست‌به‌دست شدن آن دامن می‌زدند تا دروغ‌های بعدی‌شان درباره کشتارهای خیالی در این مناطق باورپذیرتر به نظر برسد.

**داعش قبول کرده شما قبول نمی‌کنی؟!**

پس از آنکه داعش مسئولیت عملیات تروریستی شاهچراغ را برعهده گرفت برخی با این استدلال که تاریخ نامه ۳۰ ربیع‌الاول ذکر شده بود و این تاریخ با تقویم تطابق نداشت مدعی جعلی بودن نامه بوده و برخی نیز پارافرات گذاشته و می‌گفتند اساساً ربیع‌الاول ۳۰ روزه نیست. این استدلال‌ها درحالی مطرح می‌شد که اولاً تاریخ داعش منطبق با تقویم ایران نیست و ثانیاً روزنامه‌های برخی کشورهای عربی همان روز با تاریخ ۳۰ ربیع‌الاول به چاپ رسیده بود. حتی اگر ساختگی بودن نامه نبود، چرا که خود داعش همین نامه را در کانالش بازنشر داده بود.

**گفتند اشنویه سقوط کرد؛ به کام دیگه تا سقوط ایران**

از شهر بورما سال جاری تاکنون که در آذرماه هستیم، اشنویه در توییتر و سایت‌های خبری لندن‌نشین بارها سقوط کرده و تصرف شده. آخرین بار هم در اول آذر ادعا شد که این شهر سقوط کرده درحالی‌که چنین نبود. دقیقاً یک ماه قبل‌ترش یعنی در آبان‌ماه نیز چنین ادعاهایی از سوی احزاب کرد و برانداز مطرح شد، اما این ادعا کذب بود؛ چرا که نمایندگان مجلس در آن زمان که از حوزه‌های انتخابیه خود مطلع بودند، عنوان کردند این شهر سقوط نکرده است و صرفاً برخی از نیروهای برانداز خیابان‌ها را ناآرام کرده بودند.

**سناریوسازی جنایی تجزیه‌طلبان درباره فوت دختران جوان؛ نیکا، سارینا و...**

خلق سناریوهایی جنایی و تلخ درباره نحوه درگذشت دختران و پسران دهه هشتادی با هدف برانگیختن خشم عمومی نسبت به نیروهای امنیتی و پلیس، یکی دیگر از اصلی‌ترین سیاست‌های رسانه‌های تجزیه‌طلب طی دو سه ماه اخیر بود. سناریوسازی‌هایی که اصلی‌ترین قربانیانش، دختران جوانی بودند که بعد از بررسی‌های اولیه مشخص می‌شد هر یک در اتفاقاتی بی‌ارتباط به جریان ناآرامی‌ها در گذشته‌اند. نمونه‌اش خبرسازی‌هایی بود که درباره فوت تلخ نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل‌زاده از سوی رسانه‌های ضدایرانی شاهد آن بودیم. نیکا، دختر نوجوانی بود که در فاصله ۱۰ روز تا تولد ۱۷ سالگی‌اش، با پریدن از بالای ساختمانی دست به خودکشی زد و رسانه‌های تجزیه‌طلب به سرعت فوت او را ناشی از ضرب‌وشتم اعلام کرده و گفتند پیکرش هم از سوی نیروهای امنیتی ربوده شده است. درباره سارینا اسماعیل‌زاده، دختر نوجوان ۱۶ ساله کرچی که از پشت‌بام خانه مادر بزرگ خود در محله عظیمیه این شهر دست به خودکشی زد هم روایت‌هایی عیناً مشابه آنچه برای نیکا ساختند را پخش کردند که زوایای دروغ آن بعد از گذشت چند روز از فوت تلخ این دو دختر نوجوان مشخص شد.

